

مجله ی بین المللی تحقیقات علمی علوم اجتماعی
مجلة البحوث العلمية العالمية للعلوم الاجتماعية
Uluslararası Sosyal Bilimler Dergisi
International Journal of Social Science Research

دیوان

ISSN: 2706-6428 E-ISSN: 2707-7462

جلد: ۰۲ شماره: ۰۱ سال: ۱۳۹۹

حکم رشوت در پرتو قرآن کریم و احادیث نبوی

حكم الرشوة في ضوء القرآن الكريم و السنة

Kur'an'ı Kerim ve Nebevi Hadis Işığında Rüşvetin Hükümü

Ruling on Bribery in light of the Holy Quran and the Hadith

Doi: <http://dx.doi.org/10.48117/Diwan.2021.5>

پوهنمل شهاب الدین ثاقب*

Makale Bilgisi / Article Information

Makalenin Türü/Article Type: Araştırma makalesi/Resarch Article

Geliş Tarihi / Received Date: 07.03.2020

Kabul Tarihi / Accepted Date: 31.12.2020

معلومات مقاله / المعلومات للمقالة

نوع مقاله / نوع المقالة: تحقیقی / تحقیقیة

تاریخ دریافت مقاله / تاریخ استلام المقال:

تاریخ پذیرش مقاله / تاریخ قبول المقال:

نحوه ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی

شهاب الدین ثاقب، "حکم رشوت در پرتو قرآن کریم و احادیث نبوی"، مجله دیوان ۱/۲ (دلو ۱۳۹۹)، ۹۱-۱۱۳.

Atıf

Shahabuddin Sakib, "Kuran'ı Kerim ve Nebevi Hadis Işığında Rüşvetin Hükümü", *Diwan Dergisi* 2/1 (Ocak 2021), 91-113.

* عضو کادر علمی دانشکده شرعیات دانشگاه بلخ/افغانستان.

ORCID ID: 0000-0002-2616-8149

چکیده

واژه های کلیدی:

رشوت، سحت، راشی،
مرتشی، راثش.

رشوت عبارت است از آن بلای اجتماعی و خیانت اخلاقی و ایمانی که توده های مظلوم را از حق مسلم شان محروم و باعث غرس حقد و کین در دلها و مانع تأمین عدالت اجتماعی در میان مسلمانها و باعث ترویج فساد و سوء مدیریت و علت فساد اداری و باعث ازدیاد رنج و ألم مظلومان می گردد. رشوت مرض خطرناکی است که دین و دنیا، فرد و جامعه، حاکم و محکوم و اداره و مدیریت را فاسد می کند. به اجماع مسلمین این عمل مهلک حرام می باشد. چون الله تعالی فرموده است: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (البقرة، ۱۸۸) ترجمه: اموال خود را در بین خود به باطل نخورید و برای خوردن مال مردم، قسمتی از آن را به طرف حُکام به رشوه و گناه سرازیر ننمائید با اینکه می دانید که این عمل حرام است. همچنین از رسول اکرم (ﷺ) روایت شده که فرموده اند: «لَعَنَ اللَّهُ الرَّاشِيَّ وَالْمُرْتَشِيَّ وَالْمَأْشِيَّ بَيْنَهُمَا» ترجمه: الله تعالی برشوه دهنده و رشوه گیرنده و واسطه میان آن دو را لعنت نموده است. بناءً در هر اجتماعی که رشوه نفوذ کند، شیرازه زندگی آنها از هم می پاشد و ظلم و فساد و بی عدالتی و تبعیض در همه سازمانهای آنها نفوذ می کند و از قانون عدالت، جز نامی باقی نخواهد ماند لذا در اسلام مسئله رشوه خواری با شدت هر چه تمامتر، زیر هر نام که بوده باشد، مورد تقبیح قرار گرفته و محکوم شده است و یکی از گناهان کبیره محسوب می شود.

مُلَخَّص

الكلمات المفتاحية:

الرشوة، السحت، الراشي،
المرتشي، الراثش.

الرشوة هي كارثة اجتماعية، وخیانة أخلاقية ودينية التي تؤدي إلى حرمان الضعفاء من حقوقهم، وشب نار الحسد في القلوب، وعدم إقامة العدل في المجتمع، وانتشار الفساد، وسوء الإدارة والفساد الإداري، وزيادة معاناة الضعفاء. والرشوة أخطر داء في المجتمعات، حيث يفسد الدين والدينا، والفرد والجماعة والحاكم والمحكوم، وهي بإجماع المسلمين سُحتٌ وحرامٌ وباطلٌ. يقول الله سبحانه وتعالى: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (البقرة، ۱۸۸). وعن الرسول (ﷺ) يقول: (لَعَنَ اللَّهُ الرَّاشِيَّ وَالْمُرْتَشِيَّ وَالْمَأْشِيَّ الَّذِي يَمْشِي بَيْنَهُمَا) (المستدرک، ۴/۱۰۳). فإن الرشوة إذا انتشرت في مجتمع ما؛ انسدت الأبواب أمام الفقراء والعاجزين وضاعت حقوقهم، لذلك جعلتها شريعة الإسلام من الكبائر المحرمة لما فيها من الاعتداء، وأكل أموال الناس بالباطل، ولما فيها كذلك من أضرار بالغة بالمجتمع من انهيار كيانه، وإفساد أنظمة الحكم فيه.

Anahtar Kelimeler: Özet

Rüşvet, Haram, Rüşvet Veren, Rüşvet Alan, Râîş.

Rüşvet sosyal düzensizlik, ahlaki ve imani ihanetten ibaret olup mazlumları kendi haklarından mahrum bırakarak kalplerde haset ve kinin yer tutmasına, Müslümanlar arasında sosyal adaletin sağlanamamasına, fesadın yayılmasına, yönetim boşluğuna ve mazlumların sıkıntılarının artmasına sebebiyet vermektedir. Rüşvet öyle bir tehlikedir ki din ve dünya, kişi ve toplum, hakim ve mahkum, yönetici ve yönetilen aralarını bozmaktadır. Müslümanların ortak görüşüne göre rüşvet haram sayılmıştır. Zira Allah şöyle buyurmuştur «Mallarınızı aranızda haksızlıkla yemeyin. Bile bile, günaha saparak, insanların mallarından bir kısmını yemeniz için onun bir parçasını yetkililere aktarmayın» Aynı şekilde bu konuda peygamber Efendimizden şöyle bir rivayet edilmiştir. «Allah Teala rusveti alanı ve vereni aynı zamanda buna aracılık edeni de lanet etmiştir» Dolayısıyla hangi toplumda rüşvet yaygınlaşırsa, o toplumun hayat düzeni birbirine girerek bütün kurumlarında zulüm, fesat ve adaletsizlik baş gösterir. Aynı zamanda bu toplumda adalet ve kanun adına hiçbir şey ortada kalmaz. Bu sebeple İslamda ne sebeple olursa olsun rüşvet eylemi sakınılması gereken bir fil olup büyük günahlardan sayılmıştır.

Keywords:

Bribery, Digging up, Briber, Bribe taker.

Abstract

Bribery is one of the major disasters and social corruption which has afflicted the human society from past away and continues more intensely, stronger and faster to the present. Bribery has been one of the biggest obstacles against implementation of social justice among Muslims. Bribery is consist of social disaster, moral and faith betrayal which divests the oppressed mass from their certain right and causes grudge and enmity in hearts and prevents the social justice to be implemented among Muslims and promotes depravity and mismanagement and causes corruption and increases oppressed people's pain and discomfort. Bribery is the serious disease that ruins faith and wealth, individual and society, ruler and sentenced, administration and management. This fatal act is known taboo in Muslims society. Whereas almighty God has said; translation: (Do not consume one another's wealth unjustly or send it (in bribery) to the rulers in order that [they might aid] you (to) consume a portion of the wealth of the people in sin, while you know it is unlawful). (Albaqara: ۱۸۸). It is also narrated from dear Prophet (peace be upon him) that said; translation: (briber, bribee and the middleman are all damned by almighty God). Therefore, whenever bribery influences a society, it disintegrates the unity of their lives. And cruelty, depravity, injustice and discrimination will affect all its structure and nothing will remain as justice but its title; therefore, bribery with its various kinds has been seriously condemned and has been known one of the great sins in Islam.

مقدمه

رشوه ستانی یکی از بلاهای بزرگ و فساد اجتماعی است که از قدیم‌الایام دامنگیر جامعه بشری بوده و امروز با شدت هرچه بیشتر و نیرنگ قویتر و تزویر سریعتر نیز ادامه دارد، بلای رشوه خواری یکی از بزرگترین موانع اجرای عدالت اجتماعی در بین مسلمانها بوده و است. و همین فساد سبب می شود که قوانین قاعداً باید حافظ منافع طبقات ضعیف جامعه باشد به نفع ظلم طبقات نیرومند که باید آنها را محدود کند به کار بیفتند.

زیرا زور مندان و اقویا، همواره قادر اند که با نیروی خود، از منافع خویش دفاع کنند، و این ضعفا هستند که باید منافع و حقوق آنها در پناه قانون حفظ شود، بدیهی است اگر باب رشوه گشوده شود قوانین درست، نتیجه معکوس خواهد داد، زیرا اقویا و زور مندان هستند که قدرت پرداختن رشوت را دارند و در نتیجه قوانین بازیچه تازه در دست آنها برای ادامه ظلم و ستم و تجاوز به حقوق ضعیفان خواهد شد.

به همین خاطر در هر اجتماعی که رشوت نفوذ کند، شیرازه زندگی آنها از هم می پاشد و ظلم و فساد و بی عدالتی و تبعیض در همه بخش های آن نفوذ می کند و از قانون عدالت جز نامی باقی نخواهد ماند لذا در اسلام مسئله رشوت خواری با شدت هر چه بیشتر مورد تقبیح قرار گرفته و محکوم شده است و یکی از گناهان کبیره محسوب می شود.

ولی این قابل توجه است که زشتی رشوت سبب می شود که این هدف شوم در لابلای عبارات و عناوین فریبنده دیگر انجام گیرد، رشوه خوار و رشوه دهنده از نام های مانند هدیه، تعارف، حق و حساب، حق الزحمه و انعام استفاده کنند ولی روشن است این تغییر نامها به هیچ وجه تغییری در ماهیت آن نمی دهد و در هر صورت پولی که از این طریق گرفته می شود حرام و نامشروع است که همه این مطالب در پرتو روشنائی آیات قرآن کریم و احادیث نبوی (ﷺ) و سایر کتب معتبر، در این مقاله مورد غور و بررسی قرار گرفته است.

طرح کلی مسئله (پرابلم)

سوال اصلی: حکم و دیدگاه اسلام در مورد رشوت چگونه بوده است، و مبانی اسلام در مورد علاج رشوت، کدام عوامل و راه های تدابیری را اتخاذ نموده است؟

سوالات فرعی:

ریشه های رشوت به کجا و علل و اسباب آن به کجا بر می گردد؟

رشوت عامل عرفی دارد و یا سیاسی؟

آیا واقعاً رشوت باعث بر چیده شدن عدالت اجتماعی گردیده است؟

آیا رشوت باعث حق تلفی مظلومان جامعه می گردد؟

فرضیه تحقیق: به نظر می‌رسد که رشوت یک پدیده و مرض مهلک است که جوامع بشری را به چالش کشیده است، و چنین تصور می‌شود که اسلام در این مورد هیچ توجه نداشته است، در حالیکه اسلام اقدامات جدی بر علیه این پدیده شوم دارد.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

هدف از تحقیق و پژوهش پیرامون ارتشاء، شناخت این پدیده مفسد و معرفت رفتار های رشوه گونه و آسیب های برآمده از آن می باشد، همچنان آگاهی از حرمت ارتشاء و منع شدید آن از دیدگاه دین مبین اسلام هدف این تحقیق را قالب بندی می کند، از سوی دیگر ذهنیت مبارزه با ارتشاء برای خواننده ایجاد می نماید. با توجه به خلاء پژوهشی که در این موضوع احساس می شود و از سوی دیگر این واقعیت که امروزه ارتشاء در اکثر کشورها، یکی از معضلات بسیار پیچیده و لاینحل است، ضرورت این پژوهش را روشن تر می سازد. شناخت و معرفت کامل ارتشاء و همچنان حرمت شدید آن از دیدگاه دین مبین اسلام معلومات ارایه می گردد، چون ارتشاء همچون غده‌ی سرطانی است که آسیب های بسیاری را بر جامعه و کشور وارد می سازد. صدمه زدن بر اعتماد مردم نسبت به حکومت، ممانعت از ثبات سیاسی و اقتصادی و پیوستگی اجتماعی و ممانعت از توسعه اقتصادی کشور از طریق تخریب رقابت سالم در بازار از جمله ی اهداف این تحقیق اند.

روش تحقیق: روش انجام شده در این تحقیق کتابخانه ای بوده و با استفاده قرآن کریم، احادیث نبوی، تفاسیر و کتاب های معتبر علمی در این تحقیق استفاده شده است.

تاریخچه موضوع: پدیده ارتشاء به دلیل شرایط و ویژگی های که داشته از گذشته های دور مورد توجه بوده است، به طور قطع می توان مدعی شد که، ارتشاء یکی از قدیمی ترین جرایم کیفی بشر است. ارتشاء یا رشوه خواری به اندازه عمر دولت ها پیشینه و سابقه ای تاریخی دارد، از روزی که ساختار دیوان سالاری کم و بیش بر روی این زمین حاکم شد این مولود نا مبارک نیز زائیده شده است.

از زمان پیدایش اولین مجموعه های بشری و زندگی اجتماعی و به تبع آن پیدایش تراحم در منافع و حقوق سبب مراجعه به اشخاص ثالث شد و همین زمینه را برای «رشاء» و ارتشاء فراهم ساخت. در واقع می توان گفت ارتشاء پدیده ای همزاد حکومت است. یعنی از زمانی که فعالیت های بشر شکل سازمان یافته و منسجمی به خود گرفت از همان زمان ارتشاء نیز همچون جزء لاینفکی از متن سازمان ظهور کرده است؛ بنابر این می توان فساد ارتشاء، را فرزند ناخواسته سازمان تلقی کرد که در نتیجه تعاملات گوناگون در درون سازمان و نیز به مناسبت تعامل میان سازمان و محیط آن به وجود آمده است.

معنای لغوی رشوه:

دادن پول یا مال دیگر به کسی برای انجام کارِ ناحق. اَرْتِشَاءٌ: رشوه گرفتن. اِسْتِشَاءٌ: از او خواستار رشوه شد. الرَّائِشُ: میانجی بین رشوه دهنده و رشوه گیرنده. مُرَأِشَاءٌ: به او رشوه داد و با وی مدارا کرد. رشوه خوار: رشوه گیر، کسی که رشوه دریافت می کند. مرتشی: رشوه گیرنده. راشی: رشوه دهنده.

صاحب اللسان اضافه میکند: این کلمه بر گرفته شده از رشاء الفرخ به معنی دراز کردن سر جوجه برای طلب تغذیه از جانب مادر می باشد. ابن اثیر میگوید: رسیدن به نیازی از طریق دادن پول، (رشوه) می باشد. اصل آن از کلمه رشاء (طناب دلو) است که به وسیله آن آب میگیرند. و راشی کسی را گویند که پرداخت میکند به شخصی که وی را برای رسیدن به حاجت وی یاری میدهد، و مرتشی گیرنده میباشد و رایش کسی است که میان این دو ارتباط برقرار میکند به این ترتیب که از راشی میگیرد و به مرتشی می دهد.^۱

معنای اصطلاحی رشوه:

آنچه قبل از هر چیزی قابل توجه است این میباشد که هر آنچه که معنای دقیق لغوی نداشته باشد طبعاً معنای اصطلاحی دقیقی نیز نخواهد داشت زیرا معنای لغوی از سابقه بیشتری در استفاده و ایجاد برخوردار میباشد، و معنای اصطلاحی یا شرعی همان معنای لغوی با ازدیاد شروط و قیودی است که به معنای شرعی معروف است.

بدین جهت در تعریف اصطلاحی رشوه اختلاف نظر وجود دارد که از آن جمله راجح ترین تعریف چنین است: رشوه آنچیزی است که برای باطل کردن حق و حق جلوه دادن باطل پرداخت می شود.^۲

این تعریف نزدیکترین معنی را به اشارات قرآنی در این زمینه دارد، اما صحت معانی را میتوان از نصوص قرآن و کاربرد آن در جایگاه های مختلف به دست آورد که انشاءالله در این مورد نیز کلام ارائه خواهد شد.

تعریف رشوت از دیدگاه فقهاء، فقهاء در مورد تعریف رشوت دیدگاه متفاوت دارند که این تفاوت در لفظ است و در معنی متفق القول اند که آن را چنین تعریف نموده اند:

رشوت عبارت از آن مال و متاع را گویند که برای حاکم و غیرحاکم داده میشود تا برفع دهنده فیصله کند و یا (همان دوسیه و تحقیق را) مطابق به میل پول دهنده تغییر دهد.^۳

^۱ ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم الافریقی المصری ابن منظور، لسان العرب (القاهرة: دار صادر، بی تا)، ۱۴/۳۲۲.

^۲ وهبة بن مصطفى الزحيلي، التفسير المنير (دمشق: دار الفكر المعاصر، ۱۴۱۸ق)، ۲/۱۶۱.

^۳ محمد بن ناصر الحمید، هدايا العمال بين الشريعة والنظام (دراسة تحليلية تطبيقية) (الرياض: جامعة نايف العربية للعلوم، ۱۴۳۳)، ۱۷.

رشوه در قرآن کریم:

مرجع نصوص قرآن در مورد رشوه نزد علماء سه موضع می باشد که ذیلاً تقدیم می گردد:

جایگاه اول: در سوره بقره در ادامه موضوع روزه و قبل از اتمام آن؛ آنجا که می فرماید: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^۴ اموال خودتان را به باطل (و ناحق، همچون رشوه و ربا و غصب و دزدی . . .) در میان خود نخورید و آن را به امراء و قضات تقدیم نکنید تا از روی گناه، بخشی از اموال مردم را بخورید و شما بر آن آگاه باشید (و بدانید که ستمکار را یاری داده اید و مرتکب گناه شده اید).

نص در اینجا به صورت کلی از خوردن مال حرام و باطل به هر عنوانی نهی میکند به ویژه در مورد متوسل شدن به حکام تا با پرداخت رشوه به آنان عده ای حق دیگران را به زور بخورند و این نص نزدیکترین معنا را با رشوه دارد و بیانگر ارتباط میان رشوه و «رشاء» (طناب دلو) می باشد.

همچنین استفاده از دو شیوه مختلف در خطاب که در این آیه آمده است نیز قابل تأمل میباشد؛ خداوند در اول آیه می فرماید: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ﴾ (اموالتان را میان خودتان به ناروا نخورید) و در اینجا خداوند آنها را یک فرد و یک امت واحد در نظر گرفته و خطاب میکند، اما بعد از خوردن مال حرام و گناه میگوید: ﴿لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ﴾ (تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید) ملاحظه می گردد که آنها را تقسیم بندی میکند.^۵

بنابر این ملتی که احکام الهی آنها را جمع کرده است، رشوه آنها را متفرق و از هم گسسته میکند و این شامل تمامی انواع روشهای خوردن اموال دیگران به باطل از قبیل: فریب، پنهانکاری، کم فروشی، اختلاس، غصب، دزدی، تاراج اموال مردم و سایر انواع خوردن حقوق دیگران از جمله ربا و رشوه را شامل می شود. اما بیشتر از بقیه، نظر قرآن کریم معطوف به رشوه است و مفسرین این را به خاطر اهمیت و جایگاه ویژه آن بیان کرده اند مانند آیه: ﴿تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا . . .﴾^۶ که ذکر نام جبرئیل در میان سایر فرشتگان به خاطر جایگاه وی میباشد.

در این آیه وضعیت هر دو طرف رشوه دهنده و رشوه گیرنده به وضوح به تصویر کشیده شده است آنجا که میگوید: ﴿وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ﴾ و ادلاء همان فرستادن دلو برای آب چاه می باشد و امکان ندارد، مگر با طناب و طناب دلو (رشاء) نامیده می شود. بنابر این رشاء و رشوه از یک کلمه سرچشمه میگیرند و مدلی همان راشی و مدلی ایله هم مرتشی است آنچه در دلو است همان رشوه می باشد و هدف در اینجا رسیدن به آب پاک برای نوشیدن و یا وضوگرفتن نمی باشد، بلکه نقض آن توسط حرام و خوردن اموال عده ای از مردم به زور و اصرار با آگاهی به گناه آن است. و همانگونه که انداختن دلو به پائین مخالف رفتن به سمت بالا می باشد میتوان گفت که این نص حکمی بر

^۴ البقره، ۲/۱۸۸.^۵ الزحیلی، التفسیر المنیر، ۲/۱۶۲.^۶ القدر، ۹۷/۴.

علیه رشوه گیرنده صادر میکند که از پاکی عزت، به قهقرای ذلت و از بلندای صداقت به قعر کذب و از ارتفاع عفت و امانت به پستی و حضيض خیانت و شر، سقوط کرده و از جاده حق به بیراهه باطل کشیده می شود. در این نص رشوه به حکام مختص گردیده؛ با علم به اینکه رشوه به حکام منحصر نمی شود ولیکن خطر و جسارت آنان بیشتر از سایرین می باشد. زیرا آنان میزان عدالت هستند و هرگاه میزان و ترازو فاسد و خراب شود تمام اوزان خراب می شود و اگر وزن کننده و ترازو دار خیانت کند، توازن از بین می رود و فساد منتشر می شود؛ و احیاناً در احکام و دستورات الهی به وجود می آید که بیم کافر شدن صاحبش می رود اگر خدای ناخواسته حرام را حلال گرداند و یا حکم الهی را به تمسخر گیرد.^۷

همچنان در سوره مائده در دو جای آمده است، آن چنان که الله تعالی می فرماید: ﴿سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ﴾^۸ (آنان بسا دروغ را می شنوند و می پذیرند و بسیار مال حرام را میخورند).

سحت (بر وزن جفت) در اصل به معنی جدا کردن پوست و نیز به معنای شدت گرسنگی است، سپس به (هر مال نامشروع) مخصوصاً (رشوه) گفته شده است زیرا این گونه اموال، صفا و طراوت و برکت را از اجتماع انسانی می برد همانطور که کندن پوست درخت باعث پژمردگی و یا خشکیدن آن می گردد.

امام قرطبی (رح) میگوید: روایت شده از وهب بن منبه که به او گفته شد آیا رشوه در هر چیز حرام است؟ جواب داد: اگر به خاطر اعطای چیزی که مال تو نیست یا برای دفاع از حقی که نیاز توست رشوه بدهی مکروه است اما اگر رشوه به خاطر دفاع از دین و مال و خون باشد حرام نیست.^۹

همانگونه که گفته شده (سحتة الله) یعنی خدا او را هلاک ساخت و همچنین (اسحتة) که در قرآن به این ترتیب آمده است: (فیسحتکم بعذاب) یعنی شما را مستأصل و هلاک میگرداند.

همچنین اصل این کلمه به «کلب الجوع» یا گرسنگی شدید برمیگردد، یا گفته میشود فلانی هیچگاه دیده نمی شود مگر اینکه شدیداً گرسنه باشد.

کلمه «سحت» که اگر اصلش را از کلمه «کلب الجوع» (گرسنگی دائم و شدید) بگیریم ارتباط قوی بین معنی کلمه و رشوه وجود دارد زیرا از عاداتهای مرتشی این است که هرگز سیر نمی شود و هرگز دستش را از گرفتن رشوه کوتاه نمیکند خواه را شی فقیر باشد یا غنی، ضعیف و محتاج کمک باشد یا قوی.^{۱۰} هدف مرتشی این است که از آنها

^۷ محمد سید طنطاوی، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم (قاهره: دار نهضة، ۱۹۹۷)، ۱/۴۰۱.

^۸ المائده، ۵/۴۲.

^۹ ابو عبد الله محمد بن احمد بن ابی بکر القرطبی، الجامع لاحکام القرآن والمبین لما تضمنه من السنة وای القرآن (بیروت: دار عالم الکتب، ۱۴۰۸)، ۶/۱۸۲.

^{۱۰} ابن منظور، لسان العرب، ۲/۴۱.

بگیرد در شکم همیشه گرسنه اش برای پر کردن آن بریزد در حالیکه این شکم مانند جهنم سیری ناپذیر است آنجا که الله تعالی میگوید: ﴿هَلْ مِنْ مَزِيدٍ؟﴾^{۱۱} آیا بیشتر از این هم وجود دارد؟!

خداوند متعال در مورد منافقین و یهود می فرماید: ﴿سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْأَلُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاؤُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾^{۱۲} (پذیرا و شنوای دروغ هستند (و) بسیار مال حرام می خورند پس اگر نزد تو آمدند (یا) میان آنان داوری کن یا از ایشان روی برتاب و اگر از آنان روی برتابی هرگز زیانی به تو نخواهند رسانید و اگر داوری می کنی پس به عدالت در میانشان حکم کن که خداوند دادگران را دوست می دارد)

همانطور که ملاحظه می گردد، در ابتدا حکم سارق بیان گردیده است: ﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^{۱۳} (و مرد و زن دزد را به سزای آنچه کرده اند دستشان را به عنوان کیفری از جانب خدا ببرید و خداوند توانا و حکیم است) سپس توابع سرقت ذکر میگردد - توبه و حق خداوند در قانونگذاری - بعد از آن خداوند رسولش را مخاطب قرار داده میفرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِينَا هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتُوهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾^{۱۴} (ای پیامبر کسانی که در کفر شتاب می ورزند تو را غمگین نسازند (چه) از آنانکه با زبان خود گفتند ایمان آوردیم و حال آنکه دلهایشان ایمان نیاورده بود و (چه) از یهودیان (آنان) که (به سخنان تو) گوش می سپارند (تا بهانه ای) برای تکذیب (تو بیابند) و برای گروهی دیگر که (خود) نزد تو نیامده اند خبرچینی (جاسوسی) می کنند کلمات را از جاهای خود دگرگون می کنند (و) می گویند اگر این (حکم) به شما داده شد آن را بپذیرید و اگر آن به شما داده نشد پس دوری کنید و هر که را خدا بخواهد به فتنه درافکند هرگز در برابر خدا برای او از دست تو چیزی بر نمی آید اینانند که خدا نخواستند دلهایشان را پاک گرداند در دنیا برای آنان رسوایی و در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود).

با تأمل در سیاق کلام و ارتباط بین اول و آخر آن به حقیقت آشکاری دست می یابیم و آن این است که:

۱- راشی (رشوه خوار) همان سارق و دزد است.

۲- ترس از کفر اوست زیرا که به سوی آن تلاش میکند، همانند منافقین و یهود که به سمت کفر پیش میروند.

۳- این کار از اعمال منافقین و یهود است و در این صفت با هم مشترک می باشند.

^{۱۱} ق، ۵۰/۳۰.

^{۱۲} المائده، ۵/۴۲.

^{۱۳} المائده، ۵/۳۸.

^{۱۴} المائده، ۵/۴۱.

۴- روش رشوه خوار دروغ وگوش فرا دادن به آن می باشد.

۵- از نصوص و کتاب آنچه را موافق میل شان باشد قبول میکنند و آنچه را که مخالفش باشند را از جایگاه اصلی آن تغییر میدهند.

۶- آنها شیفته آنچه میگیرند و کارهای غیر مشروعی که انجام میدهند، می باشند.

۷- قلبهای آنها ناپاک است که رشوه و سحت آنرا آلوده گردانیده است.

۸- هیچ یک از آنان صاحب چیزی از نزد الله تعالی نیستند، مگر کسانی از آنان که توبه کنند.

۹- آنان در ذلت زندگی میکنند و بیشترین ذلت آنان در مقابل رشوه دهنده می باشد.

۱۰- در قیامت عذاب بزرگی انتظار آنان را میکشد. یعنی عواقب رشوه ظاهر و باطن است و دیر یا زود دامنگیر

آنان می شود.

در دومین آیه که در سورة مائده است، روی سخن صراحتاً با اهل کتاب می باشد که در مورد یهود واضحتر است زیرا صفات یاد شده بیشتر در یهود تبارز دارد آنجا که خداوند میفرماید: ﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَقِيمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ﴾^{۱۵} (بگو ای اهل کتاب آیا جز این بر ما عیب می گیرید که ما به خدا و به آنچه به سوی ما نازل شده و به آنچه پیش از این فرود آمده است ایمان آورده ایم و اینکه بیشتر شما فاسق اید).

بعد از آن ﴿قُلْ هَلْ أَنْتُمْ بِشِرِّ مِنَ ذَلِكَ مَثْوِيَةً عِنْدَ اللَّهِ مِنْ لَعْنَةِ اللَّهِ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرْدَةَ وَالْحَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ﴾^{۱۶} بگو: آیا شما را باخبر کنم از چیزی که پاداش بدتری از آن (چیزهایی که بر ما خرده می گیرید) در پیشگاه خدا دارد؟! (این کردار شما است، شما) کسانی که خداوند آنان را نفرین و از رحمت خود بدور کرده است و بر ایشان خشم گرفته و (با مسخ قلوبشان) از آنان میمونها و خوکهایی را ساخته است، و (کسانی را پدیدار نموده است که) شیطان را پرستیده اند. آنان (از هر کس دیگری) موقعیت و منزلتشان بدتر و از راستای راه منحرف تر و گمراه ترند.

﴿وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^{۱۷} بسیاری از آنها را می

بینی که در گناه و تعدی و خوردن مال حرام بر یکدیگر سبقت می جویند، چه زشت است کاری که انجام می دهند.

سپس آیات قرآنی به سمت ملامت احبار و ربانیون میرود به خاطر اینکه آنان از آن چیزها به ویژه سحت منع نمی

کنند آنجا که میفرماید: ﴿لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾^{۱۸} چرا

^{۱۵} المائده، ۵/۵۹.

^{۱۶} المائده، ۵/۶۰.

^{۱۷} المائده، ۵/۶۲.

^{۱۸} المائده، ۵/۶۳.

دانشمندان نصاری و علمای یهود آنها را از سخنان گناه آمیز و خوردن مال حرام نهی نمی کنند؟ چه زشت است عملی که انجام می دهند.

در اینجا نیز دهمین صفت از صفات دهگانه آنان «أكل السحت» برای نکوهش بیشتر آورده شده است. در این آیات ارتباطی میان اول و آخر کلام وجود دارد که در اینجا مقایسه میان مؤمنین که به الله تعالی و همه آنچه ایمان به آنها ضروری است ایمان دارند و آنچه شریعت برایشان نازل کرده که شامل حلال، حرام، جایز و ممنوع می باشد را معتقد اند و در جانب مقابل ناقضین این اوامر اهل کتاب می باشد. در اظهار این صفات ناپسند که به خوردن سحت (حرام) ختم میشود و دهمین صفت از صفات دهگانه نکوهیده میباشد و از خصوصیات یهود است با این احکام بر آنان آغاز می شود:

- ۱- آنها بدترین پاداش را در نزد خداوند دارند.
- ۲- آنها به لعنت و غضب الهی دچار شده اند.
- ۳- آنها را تبدیل به میمون کرده است.
- ۴- از آنها به عنوان خوک نامبرده است.
- ۵- آنان بندگان طاغوت اند، نه بندگان خداوند متعال و اولین چیزی که شامل کلمه طاغوت می شود حکم به چیزی غیر از آنچه الله تعالی نازل کرده و همینطور تغییر فرمان خداوند میباشد.
- ۶- آنها را در بدترین جایگاه قرار داده.
- ۷- از میان راه به گمراهی کشیده شدند.
- ۸- کفر باطنی آنها، با اینکه در ظاهر به ایمان اقرار میکنند.
- ۹- تلاش آنها به سوی گناه و تجاوز و این چیزی است باطل که مرتکب آن گناهکار شمرده می شود. عدوان و تجاوز از اسباب گناه است زیرا گناه به جز با تعدی و تجاوز ایجاد نمی گردد و همچنین گناه نیز از جمله لوازم عدوان (تجاوز) میباشد، زیرا هیچ تجاوزی صورت نخواهد گرفت مگر اینکه گناه محسوب گردد.
- ۱۰- خوردن حرام؛ که این نتیجه تجاوز و گناه آنان میباشد.

قبل از این به همراهی خوردن سحت و حرام و گوش دادن به کذب اشاره شد، بنابر این دروغ و تجاوز و گناه از جمله ملزومات و یاران حرام خواری می باشد که هرگز از همدیگر جدا نمی گردند تا اینکه به هدف و غرض خویش برسند سپس سیاق کلام به سوی کسانی اشاره میکند که مسئولیت مبارزه با این بیماری سخت و خطرناک را به عهده دارند و این افراد کسانی به جز احبار و رهبانیون (بزرگان دین یهود و نصاری) نیستند و احبار همان علماء دینی بوده و ربانیون کسانی هستند که علاوه بر دانستن علوم دینی از قدرت و حکومت نیز برخوردار اند و بدین ترتیب صاحبان امر و

حکومت مسئول نهی از خوردن حرام می باشند و ربانیون در این کار مقدم داشته می شوند زیرا که آنان دارای علم و قدرت توأم می باشند.^{۱۹}

احادیث پیامبر در مورد رشوه:

مشهورترین احادیث در مورد رشوه، مورد بررسی قرار می گیرد که از جمله پیامبر (ﷺ) فرموده اند: لعنت خدا بر راشی و مرتشی باد.

(عَنْ ثَوْبَانَ قَالَ لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الرَّاشِيَ وَالْمُرْتَشِيَ وَالرَّائِشَ يَعْنِي الَّذِي يَمْشِي بَيْنَهُمَا)^{۲۰}

ترجمه: از ثوبان (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله (ﷺ) لعنت کرده است شخصی را که رشوت میگیرد و آنکه رشوت میدهد و کسیکه بین این دو زمینه سازی میکند.

نام رایش در این حدیث (کسیکه بین راشی و مرتشی قرار میگیرد و از یکی گرفته و به دیگری میدهد) نیز افزوده شده است.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ ﷺ: (لَعَنَ اللَّهُ الرَّاشِيَ وَالْمُرْتَشِيَ فِي الْحُكْمِ)^{۲۱}

حضرت ابو هریره (رضی الله عنه) روایت نموده است که رسول الله (ﷺ) فرموده اند: لعنت خداوند باد بر رشوت دهنده و رشوت گیرنده و بر کسیکه در قضاوت رشوه می گیرد، یا رشوه می دهد.

مسئولین ارگانهای دولتی، هدایا و تحایف برای شان آورده می شود، و آنها نیز قبول میکنند که گویا رشوت نیست. ولی این گونه هدایا اصل رشوت است که به صورت هدیه و تحفه تقدیم می گردد، زیرا این مطلب در روایت ذیل وارد شده است:

عَنْ أَبِي حُمَيْدٍ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَعْدِ السَّاعِدِيِّ «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ» قَالَ: «إِسْتَعْمَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رَجُلًا مِنَ الْأَزْدِ يُقَالُ لَهُ ابْنُ اللَّتْبِيَّةِ عَلِيَّ الصَّدَقَةَ، فَلَمَّا قَدِمَ قَالَ هَذَا لَكُمْ وَهَذَا أُهْدِيَ إِلَيَّ لِلَّهِ فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَيَّ الْمُنْبَرِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: (أَمَّا بَعْدُ: فَإِنِّي أَسْتَعْمِلُ الرَّجُلَ مِنْكُمْ عَلَيَّ الْعَمَلِ مِمَّا وَلَا نِيَّ اللَّهُ فَيَقُولُ هَذَا لَكُمْ وَ هَذَا أُهْدِيَ إِلَيَّ أَفَلَا جَلَسَ فِي بَيْتِ أَبِيهِ وَ أُمِّهِ حَتَّى تَأْتِيَهُ هَدِيَّتُهُ إِنْ كَانَ صَادِقًا، وَاللَّهِ لَا يَأْخُذُ أَحَدٌ مِنْكُمْ شَيْئًا بِغَيْرِ حَقِّهِ إِلَّا لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى

^{۱۹} عطية بن محمد سالم، الرشوة (المدينة المنورة: الجامعة الإسلامية، ۱۴۰۰)، ۱۳.

^{۲۰} ابو عبد الله احمد بن محمد بن حنبل الشيباني، مسند احمد بن حنبل (بيروت: عالم الكتاب، ۱۴۱۹ق)، ۲۷۹/۵.

^{۲۱} أبو عيسى محمد بن عيسى بن سورة بن موسى بن الضحاك الترمذي، سنن الترمذي، تحقيق. بشار عواد معروف (بيروت: دار الغرب الإسلامي، ۱۹۹۸)، الأحكام"، ۹.

يَحْمِلُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنْ كَانَ بَعِيرًا لَهُ رُغَاءٌ، أَوْ بَقْرَةً لَهَا خُورًا، أَوْ شَاةً تَبَعْرُ» ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى رَأَيْنَا عُفْرَةَ إِبْطَيْهِ: «اللَّهُمَّ هَلْ بَلَّغْتُ، اللَّهُمَّ هَلْ بَلَّغْتُ» (ثَلَاثًا).^{۲۲}

ترجمه: از ابوحمید ساعدی (رضی الله عنه) روایت است که: پیامبر ی مردی از قبیلی (آزد) را که ابن اللتبیبه نام داشت مأمور جمع آوری صدقات گردانید. آن مرد زمانی که از جمع آوری صدقات برگشت گفت: این مال شما می باشد و این مال را برای من هدیه داده اند، رسول الله (ﷺ) با شنیدن این سخن بر منبر بلند شد و بعد از حمد ثنای خداوند فرمودند:

اما بعد: من طبق وظیفه که خداوند برایم سپرده است یکی از شما را به وظیفه می گمارم و زمانی که می آید، میگوید: این مال شما است و این برایم هدیه داده شده است، اگر راست میگوید چرا در خانه پدر و مادرش ننشست تا هدیه برایش برسد. به الله تعالی قسم هیچ یک از شما چیزی را بدون حق نمی گیرد مگر اینکه با الله تعالی در حالتی رو برومی شود که آنرا بدوش خود حمل می کند و اگر شتر بود صدای شتر و اگر گاو بود صدای گاو و اگر گوسفند بود صدای گوسفند خواهد بود. سپس دستان خود را بالا برد به طوریکه زیر بغلش نمایان گردید و سه مرتبه تکرار کرد که آیا ابلاغ کردم؟

سفیان میگوید که این روایت را زهری برایم بازگو کرد و هشام از پدرش و او از ابن حمید نقل میکند که گوشه‌هایم این حدیث را شنید و چشمهایم دید و از زید بن ثابت پرسید که او نیز همانند من آنرا شنیده است. از حدیث فوق به وضاحت معلوم گردید که گرفتن پول از مردم در حین وظیفه و قدرت رسمی و دولتی و لو به هر اسم و رسم که باشد رشوت و نا جایز است اگر چه که نام آن را تحفه، شیرینی، بخشش، جوانی و غیره بگذارند، زیرا به تغییر اسم در مسمی تغییر نمی آید. به تبدیل نام، حرام قطعی حلال نمی گردد. و این گونه تغییر و تبدیل در بسا موارد دیگر نیز مشاهده میگردد:

چنانچه امروز مردم فحشا را آزادی، رشوت را شیرینی، الحاد را روشن فکری، رقص و رقاصگی را هنر مندی و غیره . . . و صدها موارد دیگر در بخشهای سیاسی، و اداری، فکری موجود است که عمداً در اعمال زشت و حرام خلاف شرع نام جدید گذاشته شده است.

عن عَدِي بْنِ عُمَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: «مَنْ اسْتَعْمَلَنَا مِنْكُمْ عَلَى عَمَلٍ، فَكَتَمْنَا مَخِطًا فَمَا فَوْقَهُ، كَانَ غُلُولًا يَأْتِي بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ أَسْوَدٌ مِنَ الْأَنْصَارِ، كَانِي أَنْظَرُ إِلَيْهِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَقْبِلْ عَنِّي عَمَلِكَ قَالَ: «وَمَا لَكَ؟» قَالَ: سَمِعْتُكَ تَقُولُ كَذَا وَكَذَا، قَالَ: «وَأَنَا أَقُولُهُ الْآنَ: مَنْ اسْتَعْمَلَنَا عَلَى عَمَلٍ

^{۲۲} أبو عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه، تحقيق. محمد زهير بن ناصر ابن ناصر (بيروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲)، "كتاب الهبة وفضلها" ۱۶.

فَلْيُحْيِيءَ بَقْلِيلَهُ وَكَثِيرَهُ، فَمَا أُوتِيَ مِنْهُ أُخَذَ وَمَا نُهِيَ عَنْهُ انْتَهَى»^{۲۳} ترجمه: از عدي بن عميره رضي الله عنه روايت شده كه گفت: از رسول الله صلي الله عليه وسلم شنيدم كه فرمود: هرگاه كسي را بر كاري مؤظف سازيم و سوزني يا بالاتر از آن را از ما پنهان دارد، خائن و دزد شمرده شده، و در روز قيامت با آن حاضر مي شود. مرد سياهي از انصار برخواست، گويي من اكنون بسويش مي نگرم و گفت: يا رسول الله (ﷺ) وظيفه ات را كه به من دادې پس بگير! فرمود: ترا چه شده؟ گفت: شنيدم كه چنين و چنان فرمودي! فرمود: حالا هم مي گويم هرگاه كسي را به كاري مقرر سازيم بايد كم و زيادش را بما رساند. آنچه از آن به او داده مي شود، بگيرد و آنچه به دوري از آن امر شود، از آن دوري گزيند.

از عمر بن عبدالعزيز روايت است كه روزي هوس سيب كرد اما پولي براي خريد آن در اموال خويش پيدا نكرد و هنگامي كه با ياران خويش در حال حركت بود چند طبق سيب به وي هديه شد كه ايشان يكي از آنها را گرفت و بوئيد و دو باره گذاشت و به اهداء كنده باز پس فرستاد. وقتي سبب اين كار را از او پرسيدند گفت: كه به آن نيازي ندارم؛ به او گفتند كه پيامبر (ﷺ) و ابوبكر و عمر (رضي الله عنهما) هديه را قبول ميكردند؛ پاسخ داد براي آنها هديه بود اما براي مردان حكومت رشوه مي باشد.

از احمد (رحمة الله عليه) روايت است كه اگر هديه اي براي فرمانده سپاه فرستاده شود آن هديه تنها متعلق به شخص فرمانده نخواهد بود.

ابن كثير در تاريخ خود روايت ميكند: زمانيكه مسلمين موفق به فتح سرزمين تركستان شدند و غنايم زيادي به دست آوردند به همراه بشارت و نويد فتح هدايائي نيز به حضرت عمر (رضي الله عنه) فرستادند كه از قبول آن امتناع كرد و دستور داد كه آن را بفروشند و به بيت المال واريز نمايند.

از بارزترين نمونه هاي كه در مورد رشوه به عمال آمده است قصه عبدالله بن رواحه (رضي الله عنه) است كه پيامبر او را براي گفتگو نزد يهود در خيبر فرستاد. مالك روايت ميكند كه: زمانيكه پيامبر (ﷺ)، عبدالله بن رواحه (رضي الله عنه) را نزد يهود به قلعه خيبر فرستاد مقداري از زيورآلات زنان خود را نزد او آوردند و گفتند كه به ما تخفيف بده و از قسم خود صرف نظر كن؛ اما عبدالله (رضي الله عنه) گفت كه شما بدترين مخلوق خدا در نزد من هستيد اين كار شما وادار كننده من نيست كه بر شما تخفيف كنم و آنچه كه شما بر ما رشوه عرضه نموده ايد حرام بوده و ما هرگز خورنده آن ها نيستيم سپس گفتند بدين شكل آسمانها و زمين بنا شده است.

علماء دين، واليان و همراهي شان را از گرفتن هديه از كساني كه قبل از ولايت به آنان هديه نمي دادند منع کرده اند به اين دليل كه اگر هديه دهند هيچ حاجتي هم نداشته باشد اما به خاطر اينكه ممكن است حاجتي در آينده برايش به وجود آيد كه به سبب هديه خود خواستار كاري غير مشروع شود كه نمونه آن براي عمر (رضي الله عنه) پيش

^{۲۳} سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني أبو داود، سنن أبي داود. تحقيق. محمد محيي الدين عبد الحميد (بيروت: المكتبة العصرية، بی تا)، "كتاب الأفضية" ۵.

آمد و شخصی هر سال پای گوسفندی برایشان هدیه میداد، روزی به شکایت نزد او آمد و گفت ای امیرالمؤمنین در میان ما به صورت جداگانه قضاوت کن یعنی همانطور که پای گوسفند را از سایر قسمتهای آن ترجیح میدهی و عمر قضاوت کرد و بعد از آن به همه عمال و کارگزارانش نوشت که هدیه برای آنان رشوه است و نباید قبول کنند.^{۲۴}

حکم رشوت از دیدگاه اجماع امت:

امت اسلامی بخاطر موجودیت نصوص صریح، گسترش فساد و اضرار فردی و اجتماعی در روی زمین، رشوت را حرام پنداشته و تحریم آن را به تواتر ثابت نموده اند.

خلاصه و فشرده آن چنین است: رشوت با تمام انواع و اشکال آن در صورتیکه منجر به بطلان حق و ایجاد فساد و اضرار شود، حرام است. بدون شک رشوت سبب قطع تعاون و همکاری بین مسلمانان و هتک کرامت مومنین می گردد. کسیکه خود را بر گرفتن رشوت و خوردن آن عادت دهد، بمنزله این است که راه و روش بدی را در اسلام تهداب گذاری نموده که در این صورت گناه آن و گناه کسانی که مقلد وی شده و عمل می کند، بدوش وی می باشد.^{۲۵}

در فتح القدير شرح هدایه آمده و رشوت را به چهار دسته تقسیم بندی نموده است و قسم سوم را در این باره اختصاص داده و می فرماید: که اگر رشوت به خاطر دفع ظلم و گرفت حق بی چاره و بی بضاعت باشد و برای جلب منفعت مظلومین قرار بگیرد جائز و الا حرام می باشد و صاحب فتح القدير می فرماید: بر گیرنده رشوت حرام اما بر دهنده آن باکی نیست و این به منزله این است که يك شخصي را برای يك شبانه روز اجیر کرده باشی و سپس بواسطه وي حق خود را از ظالم گرفته باشی.

صاحب هدایه هدیه را به چند دسته تقسیم نموده می فرماید: برخی چیزها از هردو جانب حلال است مانند تحفه دادن برای ایجاد محبت و دوستی و برخی از هردو جانب حرام است مانند هدیه و تحفه که بخاطر کمک کردن به حرام و بر ظلم است و برخی دیگر از يك جانب حلال و از جانب دیگر حرام است مانند اینکه هدیه و تحفه بدهد تا دفع ظلم نموده و حق را به حقدار برساند و باعث ایجاد منفعت و راندن مضرت شود و این در صورت است که در بین شان شرط وجود داشته باشد اما اگر کدام شرط وجود نداشت بدون کدام سخنی حلال است.^{۲۶}

در مجموع الفتاوي ابن تیمیه نیز این مسئله ذکر گردیده و می فرماید: اگر رشوت به قصد گرفتن حق و دفع ظلم و ستم باشد و از يك جانب صورت بگیرد جائز و إلا ناروا و حرام است مانند اینکه شخصی مالش غصب شده و او بدون رشوت، مال خود را از غاصب گرفته نمی تواند در حالت خریدن مال غصب شده اش برایش حلال و جائز و گرفتن پول از جانب غاصب حرام و ناجائز می باشد.

^{۲۴} سالم، الرشوة، ۲۶.

^{۲۵} الحمید، هدایا العمال بین الشریعه و النظام (دراسة تحليلية تطبيقية)، ۲۳.

^{۲۶} کمال الدین محمد بن عبدالواحد ابن الهمام، فتح القدير (بیروت: دار الفکر، بی تا)، ۲۷۲/۷.

سپس امام ابن تیمیه گفته های بسیاری از فقهاء را در این مورد بیان می دارد و می فرماید که اگر دادن رشوت بخاطر گرفتن حق و جلب منفعت و دفع ظلم و ستم از مظلومین باشد باکی ندارد و الا گناه بس بزرگ اما در هر صورت برای شخص رشوت گیرنده حرام و ناجائز بشمار می رود.

دیگر فقهای احناف و شافعی و مالکی و حنبلی نیز بر جواز رشوه در صورتی که از يك جانب باشد یعنی رشوه دهنده مجبور به آن باشد به اینکه حقش را بگیرد و یا دفع ظلم نماید فتوا داده اند اما گناه رشوه گیرنده بر جای خود باقی است و هیچ گاه برطرف نمی شود جز به واپس دادن پول گرفته شده و توبه نمودن از آن.^{۲۷}

ارکان جرمه رشوت:

۱- فکر نمودن در مورد اخذ رشوت در حالیکه این فکرش را در منصفه اجرا قرار نداده است، به فکر و وهم و مورد مؤاخذه قرار نمی گیرد.

۲- بمجرد انجام دادن این فعل ممنوع بر اساس نصوص موجوده مورد لعنت قرار گرفته و آنچه گرفته است حرام و مسیر آن هم بطرف جهنم می باشد.

۳- آنچه مرتکب این فعل ممنوع گردیده است، مورد مجازات تعزیری قرار می گیرد^{۲۸}

مضرات رشوه:

اولاً: شکی نیست که رشوه از جمله آفات مضر در اجتماع میباشد که تمامی اندیشمندان بر این امر توافق دارند، حال چه این ضرر به فرد برسد یا به اجتماع، چه خطرات آن دور و چه نزدیک باشد؛ که این توافق آراء نیاز به توضیح و تشریح از طریق ذکر برخی نمونه ها دارد تا معانی آن به صورت کاملتری آشکار گردد:

أ - میزان ضرر رشوه با توجه به موضوع آن و اختلاف جایگاه دو طرف آن مختلف می باشد که گر چه یک مرض است، اما با توجه به محل اصابت، ضرر آن نیز متفاوت خواهد بود، مانند جراحی که اگر باعث مجروح شدن قلب یا مغز گردد اکثراً منجر به مرگ میگردد، در حالیکه اگر دست یا پا مجروح گردد، غالباً شخص جان سالم بدر میبرد و بهبودی حاصل میکند و لو اینکه آثار آن در بدن وی بماند. مردم نیز در اجتماع به همین ترتیب هستند که عده ای به مثابه قلب و سر و چشم بوده و عده ای هم مانند سایر اعضای بدن میباشند و اگر رشوه در بین حکام و امراء شایع شد پس یک بیماری خطرناک و یک مرض کشنده خواهد بود زیرا قلب را نشانه گرفته و باعث اختلال در ضربان آن میگردد که در نتیجه تغذیه صحیح از بین رفته و افراد ناسالم بر جامعه حاکم میگردند و فقهاء بر این عقیده اند که اگر حاکم

^{۲۷} تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی، مجموع الفتاوی (مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف: المدينة النبوية، ۱۴۱۶)، ۲۸۵/۲۹.

^{۲۸} زینب میلودی، جرمه الرشوة فی الفقه الإسلامی و القانون الجنائی الجزائری (جامعة الشهيد حمه لخضر، رسالة ماجستير، ۱۴۳۵)، ۱۸.

مرتکب رشوه خواری شد باید از مقامش برکنار شود زیرا این عمل در عدالت وی که عامل اصلی حکومت است خلل وارد میکند.

ب - روش و قانون حکومت هر آنچه باشد با رشوه خواری حاکم تغییر خواهد کرد و اگر در جامعه ای قرآن منبع قضاوت و قانون باشد پس رشوه باعث تغییر این منبع توسط حاکم رشوه خوار خواهد شد و حاکم بر اساس هوی و هوس خود و راشی خود حکم خواهد کرد و این بیشترین خطر را برای شخص حاکم در پی خواهد داشت همانگونه که ابن مسعود میگوید: که این کار بنا بر گفته خداوند متعال: ﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾^{۲۹} ترجمه: کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده اند آنان خود کافراند. سبب کفر وی میگردد.

ج- در جامعه اعتماد به حکم و قضا از بین میرود و هیچکس برای گرفتن حق خویش به حکومت و قاضی مراجعه نمی کند و هیچ چاره ای برای مظلومان به غیر از انتقام باقی نمی ماند و راهی برای هیچ ذی حقی به غیر از اخذ آن به دست خودش باقی نخواهد ماند و در تمام اینها فسادی که دامنگیر جامعه می شود هیچکس به غیر از خداوند میزان آنرا نمیتواند درک کند.

د- بدین ترتیب روش اصلاح جامعه تغییر میکند و به جای همکاری مردم در نیکی و تقوی و امر به معروف و نهی از منکر قضیه بر عکس می شود که باعث انحراف کامل امت و جامعه می شود؛ همانگونه که قوم بنی اسرائیل منحرف شدند ﴿كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾^{۳۰} (و از کار زشتی که آن را مرتکب می شدند یکدیگر را باز نمی داشتند راستی چه بد بود آنچه می کردند)

ه - دادن فرصت و امکانات برای افراد ناشایست و ناسالم تا به عمل غیر صالح خود ادامه دهند و مال مردم را بگیرند و آبروی آنها را ببرند و خون آنها را بریزند بدون هیچ ترس و باکی، زیرا معتقدند که از پل رشوه بدون اینکه جزای اعمال خود را ببینند عبور میکنند.

تمامی این عوامل دست به دست هم داده و سبب تفرقه و دشمنی و قطع ارتباط در جامعه خواهد شد و اگر به توانایی ها و فرصتهای حاکمان نگاه کنیم می بینیم که در نزدیکی آنان کسانی هستند که به منزله دهان از سر میباشند و آنان کسانی هستند که مسئولیت امری از امور مسلمین را از طرف حاکم به عهد دارند و اگر از آنها جلوگیری نکند و به آنان پند ندهند تا اینکه رشوه بگیرند یا در محیط کاری آنان رشوه پیدا شود و هر چند که شخص حاکم از آن بری باشد اما چون رشوه در محیط تحت نفوذ وی موجود بوده و یا نسبت به کسانی که زیر دست وی هستند اغماض و چشم پوشی

^{۲۹} المائدة، ۵/۴۴.

^{۳۰} المائدة، ۵/۷۹.

کرده در حالیکه می توانسته از آن منع و جلوگیری نماید و این مثال کلام پیامبر (ﷺ) می شود که فرمودند: (كُلُّكُمْ رَاعٍ، وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ)^{۳۱} هر کدام از شما نگاهبانید و مسئول آنچه نگاهبان آن هستید می باشید.

همچنین حدیث دیگری است که فرمودند: (مَنْ رَأَى مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ، وَذَلِكَ أضعفُ الإيمانِ)^{۳۲} «هر کدام از شما که منکری دید باید با دست خود جلو آنرا بگیرد و اگر نتوانست با زبان خود و اگر نتوانست به قلب خود و این ضعیف ترین درجه ایمان است»

ثانیاً: مفاسد در این میدان زیاد هستند که از آن جمله به موارد زیر اشاره میکنیم:

ا - ضایع شدن کارها به خاطر طلب رشوه.

ب - در پی آن مطرود شدن کار و عدم پایان پذیری آن.

ج - سبب کساد کارها و در نتیجه کمبود محصولات و ما یحتاج در جامعه شده و ضرر آن به کل جامعه وارد می شود.

د - پایین آمدن ارزشها از نظر ادبی و اجتماعی و حتی رسمی و باعث تغییر ارزشها میگردد و در بین مردم شایع می شود که سبب آن رشوه بوده است که باعث عار و بد نامی است.

ه - در صورت موجودیت رشوت جامعه و افراد آن احساس میکنند که حق خود را تنها از طریق پرداخت رشوت بدست آورده میتوانند، این احساس سبب میگردد که تمام معیارها و ارزشها سقوط کند. اعتماد با همه از بین رفته، جای آنرا شک و بی اعتمادی فرا می گیرد. مردم بالایی حکومت خود بی اعتماد شده و بر ضد او دست به شورش بزنند که در نتیجه آن امن استقرار از بین رفته دولت و جامعه با خطر انهیاری کامل مواجه میشود.

و - در صورت انتشار رشوت هر کس مجبور است که برای پیشبرد کار خود رشوت بدهد. حتی کسیکه رشوت می گیرد در بخش دیگری مجبور است که رشوت بدهد. این حالت، خیلی درد ناک بوده و سختی آنرا کسی احساس میکند که با مشکلی مواجه گردد.

ز - رشوت دهنده و اخذ کننده هر دو در حالت خوف و هراس بسر می برند تا مبدا کارشان به رسوائی بکشد.

ح - انسان رشوت خور نزد تمام مردم بی ارزش و بی مقدار گردیده و این حالت را خود وی نیز احساس میکند و مردم تمام تحرکات مالی او را به رشوت ستانی مربوط میدانند، اگر خانه بسازد میگویند؛ از پول رشوت است و اگر مالدار شود آنرا از رشوت میدانند و او در چنین حالتی از بد به بدتر سقوط میکند تا اینکه ضمیرش کاملاً می میرد و تمام مردم نسبت به او بد بین گردیده و او مردم را بد می بیند و این حالت انهیاری نفسانی بر تمام افراد خانواده تأثیر سوء گذاشته سبب انحراف تمام اعضاء میگردد.

^{۳۱} البخاری، الجامع الصحیح، "الجمعة" ۱۱.

^{۳۲} أبو داود، سنن أبي داود، "كتاب الطهارة" ۲۴۹.

ط- در اجتماعی که چنین معاملاتی رایج گردید، حقوق تمام افراد در آن ضایع گردیده افراد قوی انسانهای ضعیف را می خورند، حدود زیر پا می شود، افراد حق دولت را می خورند و دولت بر ایشان ظلم میکند و حقوق افراد یکی به دیگری به طریق غیر مشروع انتقال می یابد و ...

جامعه که با چنین حالتی مواجه گردید، مسابقه به سوی خیانت در آن آغاز می یابد، ارزشها و معیارها ضایع میگردد و به تدریج به سوی انحلال و سقوط کامل میرود.

ثالثاً: آنچه در گمرکات و مرزها که همچون گلوگاه کشور می باشند انجام می شود و سبب ورود اشیاء ممنوع مانند مواد مخدر و... که به سبب شدت ضررشان ممنوع شده اند میگردد و یا اینکه سبب خروج ما یحتاج کشور می شود که در مورد اول کارمندان بد، باعث انتشار زهر خود در جامعه که سبب مریضی و فساد جسم و از بین رفتن دین و مال و عقیده مردم میگردد و در نهایت آنچه فساد عقل به بار می آورد میگردد و سبب مشکلات و مصیبت های می شود که همگی ناشی از رشوه ای است که راشی به کارمند گمرک میدهد. در مورد دوم باعث محرومیت جامعه از آن چیزی می شود که حق مسلم آن است که بتواند از آن استفاده کند و آنرا داشته باشد که فرصت به دست قاچاقچیان که منافع خود را در فروش مایحتاج جامعه می بینند می افتد.

رابعاً: در هنگام عقد قرار داد و انتصاب مأمورین مشاهده می شود که افراد نالایق و بی کفایت به جهت پرداخت رشوه بر کارها گمارده می شوند و افراد لایق به خاطر عزت نفس و دوری از پرداخت رشوه با تمام کفایت خود از کار دور می ماند و در این کار ضرر بزرگی نهفته است زیرا کشور از توانائی اشخاص با کفایت محروم مانده و ضرر اشخاص ناتوان و بی کفایت به آن خواهد رسید و در میادین مختلف قابل بررسی است. مثلاً: اگر در زمینه تعلیم و تحصیل باشد بیشتر از همه ضررش به علم و بعد از آن به فرزندان جامعه خواهد رسید و در طب نیز وضعیت از این بهتر نخواهد بود و چنین است وضعیت در سایر صنوفی که در ارتباط با جامعه میباشد. یا اگر که در انتخاب ناظر برای یک کار مهم باشد می بینیم که مرتشی اشخاصی را که بدون کفایت و یا دارای سوء رفتار باشند به کار می گمارد که نتیجه آن مستقیم بالای مردم خواهد بود مثلاً: کار بنای یک ساختمان مسکونی یا ایجاد یک سد که سبب سقوط ساختمان و یا شکستن سد میگردد و تمام قربانیان از افراد جامعه خواهند بود. و بسیار شنیدیم که ساختمانی قبل از تحویل آن و پیش از سکونت فرو ریخته است، حال ببینیم که اگر این واقعه بعد از سکونت رخ میداد چه مصیبتی به بار می آورد و همچنین در کار راه سازی و سایر کارها وضع به همین منوال خواهد بود.

خامساً: در افشای اسرار دولتی هر چه که باشد جامعه باید تاوان آنرا به اندازه اهمیت آن سر افشا شده بپردازد، مثلاً اگر اسرار نظامی فاش شود، فرصت از ارتش گرفته شده و در ورطه هلاکت می افتد و دشمن از این موقعیت بهره برداری میکند و داستان حاطب بن ابی بلتعہ که قصد افشای حرکت مسلمانان به سمت مکه را داشت مشهور است که اگر خداوند جبرئیل را نازل نمی کرد، چه پیش می آمد؟

تمامی این مفاسد بر کل جامعه (مردم و حکومت) تأثیر گذارند و در اینجا ضررهای فردی نیز وجود دارد اگر چه که همین ضرر فردی نیز به اجتماع برمیگردد زیرا فرد جزئی از اجتماع است و آنچه جزء را متأثر کند در نهایت، کل را متأثر خواهد ساخت.^{۳۳}

راه های معالجه رشوت:

برای علاج هر دردی ابتدا باید آنرا تشخیص داد و سپس عوامل آنرا برطرف کرد و بعد از آن به معالجه و پیشگیری از تشدید آن پرداخت و هر گاه که تشخیص بیماری انجام شد همانطور که در این بیماری (رشوه) ذکر شد و اسباب آن معین و اغراض آن مشخص گردید و راههای پیشگیری از شدت آن آشکار گردید چیزی باقی نمی ماند به جز راه علاج آن.

قدر مسلم در امراض شخصی مسئولیت معالجه به عهده شخص بوده در حالیکه در امراض اجتماعی، جامعه با همکاری یکدیگر عهده دار علاج آن خواهند بود و رشوه به عنوان یک مرض فردی اجتماعی مطرح است، بنابراین بر همه افراد و گروه ها لازم است تا با همکاری یکدیگر در علاج آن بکوشند و قرآن و حدیث روش علاج آنرا برای ما ترسیم کرده اند.

اولاً: قبل از همه باید بر عوامل بروز آن غلبه کرد و همانگونه که گفته شد ضعف دانسته های دینی از آن جمله است و همچنین تقویت شعور دینی و افزایش آگاهی دینی در بین جامعه و برحذر داشتن از مضرات دور و نزدیک حرام خواری و سحت در نفوس و قلوب که قبلاً نیز بدان اشاره گردید.

ثانیاً: محافظت و مراقبت از وسایلی که احتمال اشاعه آنرا در پی دارد و حساب جداگانه ای برای آنها باز کردن؛ و این امر اگر به صورت کامل این مشکل را محو نکند از شدت آن می کاهد.

ثالثاً: مصادره تمام اموالی که ثابت می شود از راه رشوه به دست آمده خواه پول نقد باشد و خواه مال و یا کمک مادی تا اینکه طمع مرتشین در گرفتن رشوه کم شود و راه کسانی که نفس آنها، آنها را بدین کار دعوت می کند بسته شود، همانگونه که پیامبر (ﷺ) با ابن اللتیه انجام داد.

رابعاً: همانگونه که در نص قرآن آمده است: ﴿لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾^{۳۴} ترجمه: چرا علماء و دانشمندان، آنان (یهود) را از گفتار گناه (آلود) و حرام خواری شان باز نمی دارند راستی چه بد است آنچه انجام می دادند) و مقصود از ربانیون همان حاکمان آگاه به حدود الهی و احبار هم علماء و مصلحان دینی می باشد که باید با کمک یکدیگر (علماء و حکام) جلو آنرا بگیرند.^{۳۵}

^{۳۳} سعید حوی، اسلام دین فطرت. مترجم. مومن حکیمی (کابل: جمعیت اصلاح، ۱۳۸۸)، ۲۳۳.

^{۳۴} المائده، ۷۹/۵.

^{۳۵} سالم، الرشوة، ۳۷.

نتیجه گیری:

آنچه در این مقاله گذشت، برداشت ها و نتیجه آن قرار ذیل است:

رشوت عبارت است از آن بلای اجتماعی و خیانت اخلاقی و ایمانی که توده های مظلوم را از حق مسلم شان محروم و باعث غرس حقد و کین در دلها و مانع تأمین عدالت اجتماعی در میان مسلمانها و باعث ترویج فساد و سوء مدیریت و علت فساد اداری و باعث ازدیاد رنج و آلم مظلومان می گردد.

رشوت مرض خطرناکی است که دین و دنیا، فرد و جامعه، حاکم و محکوم و اداره و مدیریت را فاسد می کند، به اجماع مسلمین این عمل مهلک، حرام می باشد، برابر است که قاضی از آن استفاده کند یا عمال و کارمند و افراد عادی، چون خداوند فرموده است: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۸] ترجمه: اموال خودتان را به باطل (ونا حق، همچون رشوت و ربا و غصب و دزدی...) در میان خود نخورید و آن را به امراء و قضات تقدیم نکنید تا از روی گناه، بخشی از اموال مردم را بخورید، درحالیکه شما میدانید. الله تعالی در این آیه اکیداً دستور میدهد که نباید برخی از مردم مال برخی را به ناحق بخورند، زیرا هر جنایتی که در جامعه بروز میکند دیر و یا زود دامن گیر تمام افراد آن جامعه می گردد.

بناءً بخاطر بقای حیات و زندگی ملت و جسد واحد باید هر یک از اعضایی آن در حفظ و حراست از آن کوشا باشند.

پیامبر (ﷺ) راشی و مرتشی (دهنده و گیرنده) را لعنت و نفرین نموده و هر دو را مساوی در این فساد اجتماعی برابر معرفی و ساعی و دلالی که زمینه این عمل منفور و زشت را مساعد میگرداند شریک جرمی شان دانسته اند. آنهاییکه در ارگانهای قضائی و اجرائی دولتی وظیفه دارند، هدایا و تحایف برای شان آورده می شود، و آنها نیز قبول میکنند که گویا رشوت نیست. ولی این گونه هدایا اصلاً رشوت است که به صورت هدیه و تحفه تقدیم می گردد، زیرا این مطلب در روایتی از ابوحمید ساعدی (رضی الله عنه) که پیامبر (ﷺ) در مورد مردی از قبیله (أزد) که ابن اللتبیه نام داشت به تفصیل گذشت. و همچنان تقدیم دو پستی بطور هدیه به خانواده حضرت عمر (رضی الله عنه)، و مسترد نمودن آن به اشخاص دیگر بوسیله حضرت عمر (رضی الله عنه).

از حدیث فوق به وضاحت معلوم گردید که گرفتن پول از مردم در حین قدرت رسمی و دولتی ولو به هر اسم و رسم که باشد رشوت و نا جایز است اگر چه که نام آن را تحفه، شیرینی، بخشش، جوانی و غیره بگذارند، زیرا به تغییر اسم در مسمی تغییر نمی آید. به تبدیل نام، حرام قطعی حلال نمی گردد. و این گونه تغییر و تبدیل در بسا موارد دیگر نیز مشاهده میگردد.

چنانچه امروز مردم فحشا را آزادی، رشوت را شیرینی، الحاد را روشن فکری، رقص و رقاصگی را هنر مندی و غیره ... دهها و صدها موارد دیگر در بخشهای سیاسی، اداری، فکری موجود است که عمده در اعمال زشت و حرام خلاف شرع نام جدید گذاشته شده است.

منابع

- أبو داود، سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني. سنن أبي داود. تحقيق. محمد محيي الدين عبد الحميد. بيروت: المكتبة العصرية، بي تا.
- ابن الهمام، كمال الدين محمد بن عبدالواحد. فتح القدير. بيروت: دار الفكر، بي تا.
- ابن منظور، أبي الفضل جمال الدين محمد بن مكرم الأفيقي المصري. لسان العرب. القاهرة: دار صادر، بي تا.
- البخاري، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل. الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه. تحقيق. محمد زهير بن ناصر ابن ناصر. بيروت: دار طوق النجاة، ١٤٢٢.
- الترمذي، أبو عيسى محمد بن عيسى بن سَورة بن موسى بن الضحاك. سنن الترمذي. تحقيق. بشار عواد معروف. بيروت: دار الغرب الإسلامي، ١٩٩٨.
- الحراني، تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحليم بن تيمية. مجموع الفتاوى. مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف: المدينة النبوية، ١٤١٦.
- الحميد، محمد بن ناصر. هدايا العمال بين الشريعة والنظام (دراسة تحليلية تطبيقية). الرياض: جامعه نايف العربية للعلوم، ١٤٣٣.
- الزحيلي، وهبة بن مصطفى. التفسير المنير. دمشق: دار الفكر المعاصر، ١٤١٨ق.
- الشيباني، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل. مسند أحمد بن حنبل. بيروت: عالم الكتاب، ١٤١٩ق.
- القرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر. الجامع لاحكام القرآن والمبين لما تضمنه من السنة واي القرآن. بيروت: دار عالم الكتب، ١٤٠٨.
- حوى، سعيد. اسلام دين فطرت. مترجم. مومن حكيمى. كابل: جمعيت اصلاح، ١٣٨٨.
- سالم، عطية بن محمد. الرشوة. المدينة المنورة: الجامعة الإسلامية، ١٤٠٠.
- طنطاوي، محمد سيد. التفسير الوسيط للقرآن الكريم. قاهرة: دار نهضة، ١٩٩٧.
- ميلودى، زينب. جريمة الرشوة فى الفقه الإسلامى و القانون الجنائى الجزائرى. جامعة الشهيد حمه لخضر، رسالة ماجستير، ١٤٣٥.